

بلخ

قسمت ۵

نگارش جناب محمد کریم خان نژیی

اوضاع باختر بعد از وفات اسکندر، استقلال آن، شاهان یونانی آن، فتوحات و پیشرفت آنها، اجالی از وقایع مهیه آندوره، حدود و منطقه حکمرانی شاهان مذکور.

س از وفات اسکندر در بابل (۳۲۳ قبل از مسیح) بواسطه نیکه وارث و جانشین صحیحی از او باقی نماند و هم بطوریکه معروف است او گفته بود مملکت او حق لایقترین اشخاصی است که اداره کرده بتوانند. همان بود که آتش نفاق و فتنه در بین بازمانده گان او در گرفت از سرداران وی بعضی باسم حمایت و کمک از افراد خاندان او بمثل فلیپ (برادر او) و غیره و غیره و برخی خود بعنوان جانشینی مدعی را با هم می جنگیدند و هر یک قسمت معتناهی از سربازان وی را با خود داشتند، تا آنکه هر یک بمقاصد و مرام خود رسیده سه نفر از بزرگان دربار وی بطلیموس Ptolmy در مصر و انتیگونس Antigonus در مكدونیه و سلوکس Selucus ملقب به نکاتور Nicator در سوریه و ایران توانستند سلطنت های جدا گانه تشکیل دهند ولی تنها باین اکتفا نرفت آهسته آهسته بعضی از سرداران دیگر نیز بهوای استقلال افتادند و در بعضی از نقاط ممالک مفتوحه او در صدد تشکیل حکومت های کوچک کوچکی برآمده، رفته رفته علم استقلال برافراشتند و بدینوسیله نامدنی توانستند سلطنت های خود را آزادانه ادامه دهند و در صفحات

تاریخ از خود نام و نشانی گذاشته باشند و از آنجمله سلطنتی است که یکی از اخلاف وی در باکتر تاسیس نمود .

بعد از سال (۲۵۰) دو صد و پنجاه (۱) و بروایتی (۲۵۵) دو صد و پنجاه و پنج (۲) و با (۲۵۶) دو صد و پنجاه و شش قبل از مسیح . دای دوتس Diodotus موسس سلطنت گریک و باختر . که از طرف شاهان خانواده سلوکس والی باختر بود آهسته آهسته دم از آزادی زده افکار استقلال جو یانه خود را عملی ساخت و بر علیه انتیا کس دوم شورش نموده به تدریج بگرفتن تمام حقوق و امتیازات شاهی نائل آمد ولی از اینکه اعلان پادشاهی نموده باشد ما را اطلاعی صحیح بدست نیست . اما پس از وفات مشارالیه در حدود (۲۳۰) دو صد و سی قبل از مسیح پسرش دای دوتس دوم جانشین وی گشته اعلان پادشاهی نمود و بنام خود بضرب مسکوکات پرداخت (۳) لکن دیری نگذشت که یکی از اهالی و باشندگان مگنیشیا (در آسیای کوچک) موسوم به بوتیدیمس Euthydemus (که بلهجه دیگری یوفیدم نیز تلفظ کنند) بر علیه دای دوتس مذکور علم مخالفت برافراشت و مشارالیه را از سلطنت خلع نموده سلاله دای دوتس را در باختر منقرض ساخت و خود پادشاه باختر گردید (در حدود ۲۳۰ دو صد و سی ق م) (۴)

ناگفته نماند در موقعیکه باختر با بقیادت دای دوتس بر علیه انتیا کس دوم شورش نموده تا اندازه به تحصیل استقلال موفق آمد بعد از مدت کمی در حدود ۲۴۹ دو صد و چهل نه ق م . ولایات پارتیا (Parthia) که عبارت از موطن

(۱) تاریخ عالم یونانی ص ۶۸ by A History of The Greek World

M. Cary. 1932 (۲) اینسایکلوپیدیا بریطانیکا ج ۲ ص ۹۱۱

(۳) تاریخ عالم یونانی تالیف دکتر کیری ص ۶۹ .

(۴) اینسایکلوپیدیا ج ۸ ص ۸۹۴ .

اصلی قوم پارت و شاهان اشکانی است. نیز به زبر قیادت ارساس (Arsace) (که اشک و ارشاک نیز گویند) والی یونانی پارت را گشت و به تاسیس سلطنت مستقلی بر داخه از ممالک سلویوکس ها منتزع ساخت .

و از اخلاف وی اشک سوم که به (اردوان اول) معروف است از مصر وفیت و گرفتاریهای سلاطین سلویوکس که با بطلان مصر و شاهان یونانی آسیای صغیر در نزاع بود . استفاده برده ، به توسیع و بسط سلطنت پارتیا پرداخت و خواست تا مملکت اشکانی را وسعت داده باشد . ابتدا در ارمنستان و پس ازان در باختر با و قسمتی از مملکت ماد (Madia) لشکر کشی نموده ، حصه ازان ها را توانست تا اندازه با طاعت خود در آورد . ولی انتیا کس سیوم که از بزرگترین پادشاهان سلویوکس بوده ملقب بکبیر است . بالشکر انبوه به مملکت اشکانیان حمله ور گشته ارمنستان و کبانیان را گرفت و بغرض تسخیر کرگان ، پارتیا و باختر عازم گشت و بسال ۲۰۸ دو صد و هشت قبل از مسیح به باختر هجوم آورد . در بن زمان که یونی دیمس (Euthydemus) دای دوتس تانی را از سلطنت خلع نموده خود جانشین وی شده بود ، لشگری از باخترها بیاراست و بمقابله و جلوگیری از هجوم انتیا کس مذکور بطرف مرغاب روانه گشت . تا آنکه در کنار هر رود با وی بیچاره بجنگی رود داد و در نتیجه شکست نصیب یونی دیمس گشته بطرف باختر یا پس پاگردید و به مرکز خود باختر تحصن گزید .

پس از سه سال مداومت در جنگ (۱) با وجود بکه غلبه بانتیا کس بود بقرار بکه در انسا بکلو پید یا بر بطانیکا نگاشته آمده انتیا کس مذکور به ملاحظه آنکه از عهده مطیع ساختن با کتربا و صفدیانت بر نمی آمد ، راه مصالحت پیدش گرفته در سال (۲۰۶) دو صد و شش ق- م . بتوسط یسر مشار الیه دیمتریوس Demetrius

(۱) انسا بکلو پید یا ج ۸ ص ۸۹۴ .

با بوتیدی مس بنای مصالحت گذاشته طریق صلح و معاهده، پیمود و بوتیدیمس مذکور را بعنوان پادشاه باختر تسلیم نموده، با هم مصاهره نمودند و دختر خود را بجهالة ازدواج دیمتریس مذکور (یسر بوتیدیمس) در آورد و در عوض تنها خواستار آن شد که بوتیدیمس وی را شاهنشاه تسلیم نماید. همان بود که مشارالیه نیز انتیا کس را بشاهنشاهی شناخته خود را پادشاه باجگذار قرار داد (۱) ولی بقول استاد بارتولد (۲) یوفیدم در اثنای محاربه انتیا کس را چنین تهدید نموده بود که عشائر صحرائشین را به مملکت دعوت خواهد کرد در نتیجه تهدید مذکور بوده. که انتیا کس بعقد صلح حاضر گشت و با وی از در صلح و مسالمت پیش آمده (۳) پس از معاهده بطرف هندوستان بعزم فتح آندیا روانه شد.

خوشبختانه این حالت دوامی نیاخته دوره باجگذاری باختر چنین خاتمه یافت. چون در سال ۱۹۰ یکصد و نود و یکم انتیا کس شامی مذکور بواسطه رومی ها شکست یافته ازین راه باعتبارات سلطنتی وی صدمات شدیدی وارد آمد باختر باز از قیادت وزیر اثر بودن وی سر نافته مجدداً از نادیه خراج استنکاف نمود.

رو بهمرفته مقارن این زمان دوره فتوحات شاهان یونانی باختر شروع و آغاز یافته، امور جهان بانی و کشور کشتائی آنها رو بترقی و پیشرفت می گذارد. چنانکه دیمتریس هندو کوه را عبور کرده، به تسخیر هند بر آمد، پنجاب و وادی سندرا، تاسواحل بحر و گجرات فتح کرد و شهر سنگالا (۴) Sangala را که از کاتینها Katheans بود نیز مسخر نموده، بنام پدر خود موسوم ساخت و همچنان یکی

(۱) تاریخ عالم یونان ص ۷۲

(۲) تذکره جغرافیای تاریخی ایران ص ۶۲

(۳) در کیمبرج هستری آف اندیا نیز همین واقعه مذکور است.

(۴) شهری است که در قدیم وجود داشته کنون نیست.

از شاهان مذکور منطقه از استاوی فی (استراباد) را که سر کر و نشیمن گاه اصلی شاهان پارت بود ، هم بقبض و تصرف خود در آورده .
ولی تقریباً در سنه (۱۷۵) یکصد و هفتاد و پنج ق - م . انقلاب جدیدی در باختر رود داد و این انقلاب منتج به نتیجه عجیبی گردید .

یوگری تایدس Eucratides بر علیه دیمتریس شوریده وی را از باختر خارج و بطرف هند براند . و مرکز سلطنت را از باختر بشهر جدیدی که یوگراتیدیه معروف بود و کنون موضع آن بطور صحیح معلوم نیست انتقال داد .

دیمتریس پس از شکست منهنز مانده خویش از باختر مفروراً به هند رفته ، در پنجاب پناه گزین گشت و بالاخره در آنجا به تاسیس سلطنت جداگانه موفق آمد که بعد ها از سلطنت باختری بیشتر وسعت یافت .

ولی عداوت و دشمنی درین بین دو پادشاه و حتی بعد از آنها در میان خاندان آنها نیز حکمفرما بوده تا مدت مدیدی با هم جنگ و در مهاجمه دوام داشتند . چنانکه دیمتریس پس از تاسیس سلطنت جداگانه در پنجاب ، بکلی از باختر منصرف نگشته ، با قوای معتدبهای از هند روانه باختر گردید . و به یوگری تایدس هجوم و حمله آورده . مشارالیه را دریای تخت جدید با ختر با (یوگری تایدیه) محصور و متحصن نمود . اما پس از چندی در محاصره باز یوگری تایدس از محاصره بیرون آمده مجدداً دیمتریس را شکست فاحشی داد و تا هند تعقیب نمود . و لکن هنگام مراجعت از هند بدست پسر خود موسوم به (هلیو کلیس) Heliocles که او نیز ادعای پادشاهی در سر داشت مقتول گردید . (در حدود ۱۵۵ ق - م .) پس از قتل وی از (سنه ۱۵۵ یکصد و پنجاه و پنج ق - م .) با بنظر سلطنت

باختر از طرف شمال و مغرب مورد حملات متعدد و مسلسل قرار گرفت . چنانچه ابتدا در سنه مذکور مهر داد اول (۱۷۰ - ۱۲۶) اشک سیوم بعلاقه (آستارینی) حمله نموده ، آنرا به تصرف خود درآورد . و بعدها پیدم بمملکت باختر یا هجوم برده پس از دو جنگ بالاخره در اواخر سال مذکور قسمت عمده از آنرا مجزا و بممالک اشکانی منضم ساخت و بدینوسیله سلطنت یونانی باکتريا را بکلی از اعتبار انداخت و مملکت مذکور بمناطق مختلفه تقسیم شده به طوایف الملوکی تبدیل یافت .

و بر علاوه در وادی کابل و پنجاب نیز سلاله از یونانیهای باختر بروی کار آمده و بقراریکه نویسندگان کلاسیک از آن نام می برند به احوال دو نفر از پادشاهان مذکور اطلاع داریم که عبارت است از اپولودوتس Apollodotus و می نندر Menander تقریباً در حدود (۱۶۰ تا ۱۵۰ ق - م) ایشان قسمت اعظم از هند را فتح نموده اند علی الخصوص می نندر (که در اوپیان به نزدیک چهاریکار امر وز تولد یافته بود از یکطرف بعضی حصص وادی گنگا و از طرف دیگر تا بروج) نزدیک ساحل بحیره عرب) را تصرف کرد . و در نزدیکی سیالکوٹ شهری بنام (یونی میدیه) Euthymedia بنا نمود .

حدود و منطقه حکمرانی : بقراریکه دا کتر گیری در تاریخ عالم یونانی و استاد بار تولد در تذکره جغرافیای تاریخی خود نوشته اند .

حدود حکمرانی شاهان مذکور در غرب تا آریوس Arius هر بر و د بسط و امتداد یافته بود که در امتداد خود دین افغانستان و ایران و بین افغانستان و روسیه در جریان سفلی خود امروز سرحد واقع شده است و هم چنان بطرف شرق صفحات

ماورای هند و کوه را در برداشته ، شامل ولایات مرگیانا (مرغاب) جوزجان ،
 نفس باخترا ، نغارستان ، کاپیسیا (کوهستان) و کابلستان و پشاور بوده است .
 ولی نظر بقول استرابو (ج ۱۱ ص ۵۱۶) شاهان مذکور بطرف شمال
 و مشرق تا مالک هونها و سیر یعنی چینی ها و فونها که گوئشמיד آنها را از اقوام ثبت
 میدانند ، پیش قدمی نمودند . یعنی باقرب احتمال در شمال ناصحرا و مرغزارهای قرغن
 و بجانب شرق پا میر را عبور نموده با نقاط سرحدی امپراطوری چین توصل یافته
 باشند ولی در جنوب هند و کوه را عبور نموده بطوریکه معروف است . سند
 و بلوچستان را نیز فتح نموده ، ناصحرا و بحر هند رسید . بودند . چنانکه وجود
 مستعمره از دیمتریس مذکور به نزدیکی گندهارا و پیدایش مسکوکات آنها که بعده
 کثیری از صفحات سیستان تا کابل و بلکه تا حوالی دریای سند بدست آمد است .
 شاهد این مطلب است .

(ناتمام)

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

